

تلویزیون
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>
«قائم‌مقام» به تلویزیون می‌آید
<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>شصتمین قسمت از برنامه «به اضافه مستند» با پخش و بررسی مستند «قائم‌مقام» ساخته سیدمحمدعلی صدری‌نیا روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت. به گزارش «وطن امروز»، در این قسمت و پس از پخش مستند، محمدحسن روزی‌طلب، تاریخ‌نگار و دبیر سابق کمیسیون رسانه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری و مسعود رضایی شریف‌آبادی، نویسنده و تاریخ‌نگار میهمان برنامه خواهند بود و ناگفته‌هایی را پیرامون شخصیت آیت‌الله منتظری و تاریخ‌نگاری سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی بیان خواهند کرد. علاوه بر این، محمدتقی فهیم و آرش خوشنخو به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت. مستند «قائم‌مقام» روایتی بدون سانسور از زندگی یکی از شخصیت‌های تاثیرگذار تاریخ انقلاب یعنی آیت‌الله حسینعلی منتظری است. این مستند با محوریت قرار دادن فراز و نشیب‌های زندگی آیت‌الله منتظری که در دورانی به عنوان قائم‌مقام رهبری معرفی شده بود، تلاش دارد روایتی صریح و شفاف از این شخصیت جنجالی به دست دهد. در این فیلم، روایتی از مبارزات پیش از انقلاب تا درگذشت ایشان روایت شده و برای نخستین‌بار به طور تفصیلی به فراز و فرود وی در نظام سیاسی ایران پرداخته است. مستند «قائم‌مقام» در یازدهمین جشنواره سینما حقیقت حضور داشت و یکی از شلوغ‌ترین ارکان‌ها را به خود اختصاص داد و این هفته این مستند جنجالی برای نخستین‌بار از شبکه مستند و در برنامه «به اضافه مستند» پخش و رونمایی خواهد شد. این مستند ۱۰۰ دقیقه‌ای به کارگردانی سیدمحمدعلی صدری‌نیا تولید شده است. «برنامه به اضافه مستند» با اجرای صادق باطنی، تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین میری و کارگردانی محمدرضا رضاییان سه‌شنبه ۴ اردیبهشت‌ماه ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد.</div></div></div></div></div>
جشنواره فجر

محمدرضا زاتری:

مخاطبان بین‌المللی «به وقت شام» را بهتر می‌فهمند
<div><div><div><div></div><div><div>حجت‌الاسلام محمدرضا زاتری، فعال فرهنگی که یکی از داران جشنواره جهانی فیلم فجر سال جاری در سخنانی به تمجید از «به وقت شام» تازه‌ترین اثر سینمایی ابراهیم حاتمی‌کیا پرداخته. به گزارش فارس، زاتری درباره به وقت شام گفت: درباره «به وقت شام» مفصل صحبت کرده‌ام اما خلاصه آن این است که به نظر از آن تجربیاتی بود که به مخاطب بین‌المللی نزدیک‌تر شده بود و مخاطب بین‌المللی با زبان سینمایی اثر ارتباط بیشتری برقرار می‌کند، در عین حال که به لحاظ تکنیکی هم اثر قابل دفاعی است. فکر می‌کنم در سال‌های قبل به دلیل درگیری در جنگ تحمیلی و مشکلات دوران تحریم و الان هم مساله سوریه، همواره در شرایطی بودیم که فراغت و مجالی برای تمرکز در عرصه دیپلماسی عمومی نداشتیم و این عرصه به نظر من مهم‌ترین خلأ و نیاز جمهوری اسلامی است. جشنواره فجر فرصتی است که در این عرصه وارد شویم. هر کدام از این میهمانان خارجی وقتی به ایران می‌آیند و فیلم می‌بینند، با مردم ارتباط برقرار می‌کنند و در خیالان می‌آیند ما قدم می‌زنند، وقتی به کشورشان بازگردند می‌توانند سفیر فرهنگی ما در کشورهای خود باشند و پیام ما را منتقل کنند.</div></div></div></div></div>
سینما

یک آمار رسمی از مخاطب فروردین‌ماه سینما
<div><div><div><div></div><div><div>سینمای ایران با جذب مخاطبی معادل ۴ میلیون و ۶۸۹ هزار نفر در فروردین‌ماه ۹۷ نسبت به مدت مشابه در سال ۹۶، ۴۱ درصد رشد را شاهد بوده است. به گزارش «وطن امروز»، سازمان سینمایی وزارت ارشاد مدعی شد: «سینمای ایران در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۷ مجموعاً ۴ میلیون و ۶۸۹ هزار و ۱۵۲ نفر مخاطب را جذب کرده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال ۹۶ با رقم ۳ میلیون و ۳۰۷ هزار و ۲۳ نفر رشدی معادل ۴۱/۸ درصد را شاهد بوده است. بر اساس آمار ارائه شده، همچنین سینمای ایران در فروردین سال ۱۳۹۷، مجموعاً ۴۵ میلیارد و ۵۸۴ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان فروش داشته که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۹۶ با فروشی معادل ۳۰ میلیارد و ۷۸۱ میلیون و ۴۳۸ هزار تومان شاهد ۵۱/۵ درصد رشد فروش بوده‌ایم».</div></div></div></div></div>

مجتبی نامخواه: در وضعیتی که در حال حاضر در آن قرار داریم، مستند «زمستان یورت» و آثاری بسیار اندک مشابه آن، اهمیتی ویژه دارند. ما در شرایط اجتماعی‌ای قرار داریم که رسانه‌ها و تحلیل‌گران علوم اجتماعی به طور کل، با فاصله زیادی از جامعه و از وقوع رویدادهای اجتماعی عقب افتاده‌اند. ما به وضوح این تأخر را در ناتوانی آنها از درک مساله‌های اصلی جامعه می‌یابیم. این ناتوانی در برخی حوزه‌ها حادث‌تر است؛ به عنوان نمونه در زمینه درکی که باید از تغییرات و اعتراض‌های اجتماعی وجود داشته باشد و وجود ندارد. می‌توان این ادعا را با یک مثال توضیح بیشتری داد؛ حسب آمار معتبری که تقریباً به صورت نیمه‌رسمی منتشر شده، تنها در ۶ماه نخست سال گذشته ما شاهد بیش از ۱۵۰۰ تجمع و تحصن اعتراضی بوده‌ایم. بیش از ۲برابر همین میزان اعتراض‌هایی در قالب نامه و تومار ابراز شده است. جای تأکید مجدد این نکته باقی است که این آمار تنها برای ۶ماه نخست سال ۱۳۹۶ است، یعنی بیش از ۳ ماه قبل از روی دادن حوادث دی‌ماه. در اینجا یک سؤال مطرح است؛ سؤالی که می‌توان آن را با مراجعه به آرشیو رسانه‌های مکتوب، آرشیو رسانه ملی و همچنین خروجی محافل علمی و آکادمیک به نحوی کمی سنجید و پاسخ داد. آن سؤال این است: کلیت رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی، چه واکنشی به این بیش از ۵ هزار اعتراض نشان داده است؟ چند خط تحلیل، چند دقیقه برنامه، چند مقاله و چند نشست برای بازنمایی و درک این ۵ هزار رویداد تولید شده است؟ حساب تحلیل‌هایی را که پس از رویداد دی‌ماه تولید شده باید جدا کرد؛ تحلیل‌هایی که درباره رویدادهای دی‌ماه منتشر شد، نشانه عدم تأخر یا عدم ناتوانی نیست بلکه دقیقاً محصول این فرماندگی و تأخر است.

مستند زمستان یورت به این دلیل اهمیت دارد که کوشیده مساله‌ای را ببیند که رسانه‌ها آن را ندیده و نمی‌بینند و تحلیل‌گران علوم اجتماعی آن را تحلیل نمی‌کنند. سعی کرده از موضعی اجتماعی مساله‌ای را ببیند که گفت‌وگو درباره آن به نهاد سیاست و کنشگران آن واگذار شده است. هم سازندگان و هم مخاطبان این اثر تأیید خواهند کرد که زمستان یورت به عنوان یک مستند، تنها یک نقطه است؛ البته یک نقطه شروع. این نافی ابتکار عمل و زحمت‌های گروه سازنده نیست. این به این معناست که من مخاطب بعد از دیدن این مستند پرسش‌های زیادی دارم. دوست دارم از زندگی آن چهل و چند نفری که در این واقعه کشته شدند، بیشتر بدانم. دوست دارم بدانم آیا حق و حقوق‌شان پرداخت شد؟ دوست دارم بدانم

نگاه
محمدرضا کردلو: یکی از گزاره‌هایی که در ابتدای شکل‌گیری جشنواره عمار و جدی‌تر شدن موضوع نقد درون‌گفتمانی در این جشنواره مطرح شد، این بود که این جشنواره داغ انتقاد کردن را بر دل ضدانقلاب خواهد گذاشت و اینکه «اگر ما خودمان انتقادات را بموقع و درست مطرح کنیم، فرصت سوءاستفاده از اپوزیسیون گرفته می‌شود». این موضوع تا کجا محقق شد و زبان فیلم و مستند تا چه اندازه توانست در خلأ پرداخت‌های صحیح در رسانه ملی، گویا باشد؟ در واقع گفتمان «نقد درون گفتمانی» تا چه اندازه موفق بود؟ پاسخ این سوال روشن است. نه به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت، چرا که سیستم توزیع دچار مشکلات فراوان بوده و هست. اما فایده طرح مساله نقد درون‌گفتمانی در رخداد جشنواره عمار چه بود؟ به نظر من این بار بیش از آنچه انتظار می‌رفت، مستندسازان بسیاری فقط و فقط برای اینکه مستندی درباره «عدالت» و «نقد درون‌گفتمانی» بسازند، وارد دنیای مستند شدند. پیش از آنکه حتی دوره آموزش‌های لازم را گذرانده باشند. آنها البته در ادامه برای مستندسازی جدی‌تر شدند و فرم و تکنیک را به مثابه امری لازم دنبال کردند و سال به سال کارهای باکیفیت‌تری نسبت به قبل تولید شد. اگرچه همه این مستندها خود را در قالب جشنواره عمار نگنجانند و تصمیم گرفتند چارچوب و ساختار دیگری را برای ارائه محتوای خود تجربه کننداما تأکید بر محتوای عدالت‌خواهانه و نقد درون‌گفتمانی جای خود را در فضای مستند و رسانه کشور پیدا کرد. در جشنواره اخیر عمار نیز در میان همه آثار موجود، مستندهایی با این رویکرد حضور داشتند. در این بین «زمستان یورت» بیشتر دیده شد. مستندهایی مانند

ادبیات
<div><div><div><div></div><div><div>فاطمه افتخاری: زنگ‌های تفریح در مدرسه معمولاً به صحبت کردن با دانش‌آموزان درباره کتاب می‌گذرد؛ بارها اتفاق افتاده است که بچه‌ها خودشان می‌گویند خانم این کتاب مناسب سن ما نیست، در این کتاب حرف‌های زشتی زده شده است. حقیقت این است خیلی از کتاب‌هایی که حتی با نام رمان نوجوان چاپ می‌شود محتوای مناسبی برای این گروه سنی ندارد به گونه‌ای که گاهی کتاب بخواندن بهتر از خواندن این نوع کتاب‌هاست. کتاب روایتی ساده از ماجرای پیچیده از آن دست کتاب‌هایی است که نیاز مخاطب خود را شناخته است و می‌شود آن را با خیال راحت در اختیار مخاطب نوجوان قرار داد. ابراهیم حسن‌بیگی این کتاب را از ۱۸ روایت نوشته است که روایت اول با ماجرای عشق الیاس به صفورا دختر خان آغاز می‌شود، آغازی که می‌تواند مخاطب نوجوان را جذب کند و همراه خود نگه</div></div></div></div></div>



امروز خانواده‌های‌شان چطور زندگی می‌کنند؟ چند ماه بعد از حادثه، بر اساس اظهارات مقامات دادگستری استان گلستان، کارفرمای معدن «صدرصد» مقصر شناخته شد؛ من مخاطب می‌خواهم بدانم امروز که حدود یک سال از این واقعه گذشته، این مقصر مجازات شده است؟ چه گونه مجازات شده؟ چه تمهیداتی اندیشیده شده تا چنین اتفاقی تکرار نشود؟ چه تدبیری اندیشیده شده تا در دیگر کارخانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کارگر حق اعتراض داشته باشد؟ چه تدبیری اندیشیده شده تا نه سهل‌انگاری که زیاده‌خواهی‌های برخی، اینچنین کارگران را به خاک و خون نکشد؟ و سؤال‌هایی از این دست. ساخت مستند عدالت‌خواهانه الزاماتی دارد؛ الزاماتی که ساخت یک مستند میراث فرهنگی یا حیات وحش ندارد. فرض کنید اگر مستندی درباره بازی‌های محلی یک منطقه ساخته شود یا اگر مستندی حیات‌وحش منطقه‌ای را نشان بدهد، مخاطب هیچ وقت از مستندساز این انتظار را ندارد که خودش را در گیر آن بازی کند. مستندساز یک فاعل شناساست که بخشی از زیست‌بوم یا آیین‌های سنتی یک منطقه را ایزه خود کرده است. در یک مستند عدالت‌خواهانه اما آیا مخاطب از مستندساز می‌پذیرد بی‌تفاوت باشد؟ می‌پذیرد صرفاً فاعل شناسا باشد. فاعل کنشگر نباشد و هیچ تلاش و کنشی در ادامه نداشته باشد؟ می‌پذیرد که پرسش‌های پاسخ‌نداده‌اش رها شود؟ حتماً پاسخ منفی است چون مساله انسانیت در میان است،

مساله «زمستان یورت» و غفلت سیمای ملی از نقد درون‌گفتمانی

یک تلخی بی‌پایان

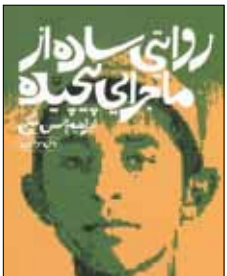


زمستان یورت در واکنش به خاالی در رسانه ملی شکل می‌گیرند. خلأ نپرداختن فرصت موضوعات اساسی مردم و از جمله کارگران. در واقع «زمستان یورت»-های فراوانی هستند که ساخته نشده‌اند، چرا که صدوسیماتلاشی برای انعکاس همه‌جانبه بسیاری از مشکلات مردم نمی‌کنند. زمستان یورت هر

اندازه که تحسین‌برانگیز باشد، عدم نمایش آن در جایی مثل صدوسیمما همان اندازه دردناک و زنده است. واقعیت آن است که در این نوع مستندها هر قدر هم توان فرمی و محتوایی فیلم بالا باشد، عدم نمایش آن از تلویزیون با میلیون‌ها بیننده، اثر آن را کم می‌کند. طبعاً با همه تبلیغاتی که مجاهدان گمنام و پرتلاش فرهنگی انجام می‌دهند، این فیلم به اندازه‌ای که در تلویزیون می‌توانست دیده شود، دیده نخواهد شد. در حالی که همه داعیه این مستند، درون‌گفتمانی بودن آن است که ادعای درستی است اما از تلویزیون که باید درون این گفتمان باشد، پخش نمی‌شود. و سوال اینجاست که چرا رسانه ملی که باید به مردم بپردازد درون این گفتمان کار نمی‌کند؟ مستند زمستان یورت به‌موضوع ریزش آوار معدن زمستان یورت بر سر کارگران و همه اتفاقاتی که پیش از این حادثه تلخ رخ داده می‌پردازد. اینکه پیش از وقوع حادثه چه تمهیداتی باید در نظر گرفته می‌شد و چه کوتاهی‌هایی در موضوع

نگاهی به کتاب «روایتی ساده از ماجرای پیچیده» اثر ابراهیم حسن‌بیگی

عشق و استبداد



داره، هر چند تا انتهای داستان جز اشاره‌های گذرا به این عشق صحبتی از کیفیت و چگونگی آن به میان نمی‌آید که این را می‌توان از نقاط ضعف این داستان دانست. با کشته شدن برادر الیاس، او در شب دامادی‌اش به فکر انتقام از خان می‌افتد: «الیاس چگونه می‌توانست در کارهای بزرگ‌تر مگر دخالت نکند؟ فکر می‌کرد مگر بزرگ‌ترها در کار او دخالت نکردند؟ مگر کشته شدن برادرش به او مربوط نمی‌شود؟ مگر همین بزرگ‌ترهایی مثل خان و پسرش، عبدالجبار نبودند



به بهانه آغاز ارکان عمومی «زمستان یورت» مستند برگزیده جشنواره عمار

رسانه‌های یخ‌زده در زمستان یورت

با نبراین فارغ از نکات درون‌متنی مستند، مهم‌ترین نقطه ضعف فرامتنی آن این است که زمستان یورت ۲ و ۳ و ۴ و بیشتر ساخته نشود. زمستان یورت یک نقطه شروع است؛ مهم‌ترین نقطه ضعف آن است که این نقطه شروع، نقطه پایان باشد. به طرح بحث آغازین این نوشته بازگردیم؛ ما با جامعه‌ای مواجهیم که در ۶ ماه حدود ۵ هزار کنش اعتراضی از خود بروز می‌دهد. می‌توان به وضوح حس زد که بخش عمده‌ای از این اعتراض‌ها کارگری است که به بن‌بست رسیدن فرآیند تعریف‌شده‌ای مواجهیم که در قانون برای اعتراض کارگری وجود دارد، بنابراین فهم این مساله پیچیده نیست که سازوکار قانونی اعتراض در قانون کار دردی را درمان نمی‌کند و به ضد خودش تبدیل شده است. این یک مساله نظری پیچیده نیست، البته پیچیدگی‌های عملی دارد. یعنی لایه‌های مترامکی از غفلت، لاهت و منفعت توانسته این سازوکار را مختل کند؛ توانسته سازوکارهای مختل دیگری را مصوب کند؛ توانسته تخنگان فکری را به نام اهدافی اسلامی و حتی گاه انقلابی، به انتزاعیات اتنولوژیک و کلیاتی ابوالبقا در همه زمینه‌ها مشغول کند. توانسته کارکرد جنبش‌های اجتماعی و جریان دانشجویی را به جنگ سیاسی، جنگ شادی و ارکان فیلم محدود کند. ما در این شرایط، در این غفلت مترامک به هشدار نیاز داریم، امثال این مستند به ما هشدار می‌دهد که در حال زد و ستد دادن افقی هستیم که برای رسیدن به

بهترین نوع پایان‌بندی است استفاده شده است. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در یک فیلم مبارزه‌جویانه باید نمداهای مبارزه‌جویی دیده شود. این فیلم برخلاف تلاشی که برای تعدیل حس ناراحتی و تلخی کرده، فیلمی تلخ است. فرزندان کارگران معدن یتیم شدند و این حس است که در مخاطب می‌ماند. در واقع آنچه در نهایت در ذهن مخاطب می‌ماند، غلبه «تلخی» بر «مبارزه» است؛ تلخی بی‌پایانی که در چشم‌های فرزندان یتیم شده کارگران معدن و در شرح شکایت کارگران دیگر مشهود است. نکته دیگری که این مستند شاهد آن هستیم، تلاش بی‌وقفه‌ای است که خود مستندساز برای احقاق حقوق کارگران معدن انجام می‌دهد. در واقع خارج شدن از قامت کارگردان مستند و همراه شدن با مشکلات موجب شده است مستند واقعی‌تر جلوه کند، اگرچه شاید به جهت فرمی و تکنیکی بخش‌هایی از مستند را با ایراد همراه کرده است. در اغلب مستندهای عدالت‌خواهانه شاهد «حرف‌درمانی» هستیم، در این مستند اما تلاش مستندساز بر این حرف‌درمانی غلبه کرده است. نکته دیگر آنکه افراد غیرمشهوری که در این مستند صحبت کرده‌اند جایگاه خوبی دارند و صحبت‌های مناسبی می‌کنند؛ از این منظر این ایراد که چهره‌های شاخصی باید برای گفت‌وگو انتخاب می‌شدند، وارد نیست چرا که «مستان یورت» یک مستند local(محلی) است و در چنین مستندهایی حضور چهره‌های سرشناس آنچنان که تصور می‌شود موثر نیست. از طرف دیگر، یکی از ویژگی‌های چنین مستندهایی چهره‌سازی است؛ شخصیت‌هایی که حرف‌های خوب و دقیقی برای ارائه دارند اما شناخته‌نی‌شوند.

دیگری از داستان نیز در روزهای خفقان در تهران پیش از انقلاب روایت می‌شود که اطلاعات مناسبی از زمینه‌های اجتماعی انقلاب در اختیار نسل جدید قرار می‌دهد و می‌تواند پاسخگوی یکی از سوال‌های اصلی این نسل باشد که چرا انقلاب کردیم؟ در بخشی از کتاب، نویسنده به توصیف شکنجه شدن انقلابیون توسط ساواک می‌پردازد و هرچند هوشمندانه این شکنجه‌ها را به پیروزی انقلاب بود، هنوز گوشه دلش برای صفورا یک جایی باز کرده بود، چون فکر می‌کرد او در این ماجرا نقشی ندارد. این کتاب در ۲ فضای متفاوت از نظر جغرافیایی روایت می‌شود؛ بخشی از داستان در

خبر
<div><div><div><div></div><div><div>پاسخ روابط عمومی اوج به خبر جعلی دستمزد نجومی باز یگران پایتخت</div></div></div></div></div>
<div><div><div><div></div><div><div>محمد ذوقی، مدیر روابط عمومی سازمان هنری-عمرانی اوج به سند جعلی منتشر شده درباره دستمزد عوامل پایتخت در اینستاگرامش واکنش نشان داد. به گزارش «وطن امروز»، پس از انتشار تصویری جعلی در ارتباط با دستمزدهای عوامل سری پنجم سریال پایتخت، محمدذوقی، مدیر روابط عمومی سازمان اوج با انتشار پستی اینستاگرامی به این موضوع واکنش نشان داد. در متن منتشر شده توسط ذوقی آمده است: «حرف‌های دشمنی کن! چند هفته قبل بود در ایام نوروز که برخی رسانه‌ها و افراد با عجله و بعضاً بی‌انصافی، اوج و تیم پایتخت را مورد حمله قرار دادند ولی دیری نپایید تا با رسیدن به قسمت‌های آخر پایتخت قضاوت‌ها منصفانه‌تر شد. حال پس از اتمام ۲ هفته‌ای این سریال محبوب و اقبال بی‌نظیر مردم نازنین به این سریال، با یک خبر و این بار جعل، دشمنی دشمنان‌مان را شاهدیم. باید گفت: ۱- هیچ‌وقت چنین سربرگی نداشته و ندارد. ۲- امضای مسؤول سازمان اوج در این تصویر جعلی است. ۳- خطاب نامه وجود خارجی ندارد. (معصومی) ۴- حذافلی از وقت نیاز است که بدانیم یک کمپانی تولید آثار هنری با تهیه‌کننده سروکار دارد و مسائل اینچنینی مواردی نیست که مسؤول کمپانی در موردش نام‌گذاری کند. ۵- همه اعداد قید شده غلط و جعلی است. و کلام آخر: چرا اینقدر کینه‌ورزی؟! چرا اینقدر حسد؟! چرا اینقدر وقاحت در جعل کردن یک‌نامه؟! در دشمنان‌مان توصیه می‌کنم طوری دشمنی کنید که به جعل امضا و نامه و پیگیری حقوقی نکشد. در ضمن جاعل عزیز آنقدر بی‌سواد بوده که در صفر گذاشتن برای اعداد هم سوئی داده (به رقم ر اسطو جان کنید) معصومیه؟! (باحن بابا پنجلی)</div></div></div></div></div>
کتاب
<div><div><div><div></div><div><div>توزیع ۲۰ هزار نسخه «خداحافظ سالار» از بهمن‌ماه</div></div></div></div></div>
<div><div><div><div></div><div><div>۲۰ هزار نسخه از کتاب «خداحافظ سالار» اثر حمید حسام در پویش کتابخوانی توزیع شده است. به گزارش «وطن‌امروز»، مسابقه بزرگ کتابخوانی «خداحافظ سالار» با همکاری مشترک میان پویش‌های «وشنا» و «کتاب و زندگی» در حال برگزاری است. این پویش که از بهمن ۹۶ آغاز شده، با استقبال مخاطبان بسیاری روبه‌رو بوده و نسخه‌های زیادی از آن فروخته شده است. این کتاب شامل خاطرات خاتم سه پروانه چراغ‌نوروزی، همسر شهید همدانی است. حمید حسام آنها را در قالب داستان نوشته است. تاکنون ۲۰ هزار جلد از این کتاب در مراکز فروش سراسر کشور توزیع شده است. همچنین ۲ تیرز این مسابقه که به همت مرکز رسانه‌ای شیرازه تولید شده، به منظور معرفی بهتر کتاب و پویش از شبکه‌های سیما در حال پخش است. پایان این پویش خرداد سال جاری است.</div></div></div></div></div>
سینمای جهان
<div><div><div><div></div><div><div>«راکی» ترامپ را وادار به عذرخواهی کرد!</div></div></div></div></div>
<div><div><div><div></div><div><div>رئیس جمهور آمریکا گفت: پیرو تماس و پیگیری «سیلوستر استالونه» بابت ظلمی که ۱۰۰ سال پیش دولت آمریکا در حق «جک جانسون» مشتزن سنگین‌وزن سباهیوست کرده بود، رسماً عذرخواهی می‌کنم. به گزارش فارس، دونالد ترامپ پس از گذشت حدود ۱۰۰ سال از «جک جانسون» مشتزن فقید سباهیوست به‌خاطر ظلم‌هایی که دولت فدرال آمریکا به او کرده عذرخواهی کرد. جانسون شخصیت مشتزن مقابل «سیلوستر استالونه» در فیلم «راکی» نیز بوده است. ترامپ گفت: پیرو تماس و پیگیری سیلوستر استالونه بابت ظلمی که ۱۰۰ سال پیش دولت آمریکا</div></div></div></div></div>

توزیع ۲۰ هزار نسخه «خداحافظ سالار» از بهمن‌ماه
<div><div><div><div></div><div><div>۲۰ هزار نسخه از کتاب «خداحافظ سالار» اثر حمید حسام در پویش کتابخوانی توزیع شده است. به گزارش «وطن‌امروز»، مسابقه بزرگ کتابخوانی «خداحافظ سالار» با همکاری مشترک میان پویش‌های «وشنا» و «کتاب و زندگی» در حال برگزاری است. این پویش که از بهمن ۹۶ آغاز شده، با استقبال مخاطبان بسیاری روبه‌رو بوده و نسخه‌های زیادی از آن فروخته شده است. این کتاب شامل خاطرات خاتم سه پروانه چراغ‌نوروزی، همسر شهید همدانی است. حمید حسام آنها را در قالب داستان نوشته است. تاکنون ۲۰ هزار جلد از این کتاب در مراکز فروش سراسر کشور توزیع شده است. همچنین ۲ تیرز این مسابقه که به همت مرکز رسانه‌ای شیرازه تولید شده، به منظور معرفی بهتر کتاب و پویش از شبکه‌های سیما در حال پخش است. پایان این پویش خرداد سال جاری است.</div></div></div></div></div>
سینمای جهان
<div><div><div><div></div><div><div>«راکی» ترامپ را وادار به عذرخواهی کرد!</div></div></div></div></div>
<div><div><div><div></div><div><div>رئیس جمهور آمریکا گفت: پیرو تماس و پیگیری «سیلوستر استالونه» بابت ظلمی که ۱۰۰ سال پیش دولت آمریکا در حق «جک جانسون» مشتزن سنگین‌وزن سباهیوست کرده بود، رسماً عذرخواهی می‌کنم. ترامپ دربار این عذرخواهی گفت: «سیلوستر استالونه» با من تماس گرفت و جریان «جک جانسون» مشتزن سنگین‌وزن جهان را که نخستین مشتزن سباهیوست نیز بود برابم تعریف کرد. داد‌گاه‌ها و آزار و اذیت‌های او بسیار بوده و زندگی‌اش فرنج و بحث‌برانگیز بوده است. مقامات پیش از من برای عذرخواهی رسمی اقدامی نکرده‌اند و حال من به طور تمام و کمال از این ورزشکار که در حق او ظلم‌ها شده، در مقام ریاست‌جمهوری آمریکا عذرخواهی می‌کنم. جانسون نخستین مشتزن سنگین‌وزن سباهیوست و قهرمان جهان بود که در سال ۱۹۱۳ میلادی با رأی هیات منصفه تمام سفیدپوست با عنوان ارتباط غیراخلاقی با زنان محکوم شد و یک سال را در زندان فدرال سپری کرد. جرم اصلی وی در دوران لوچ نژادپرستی حکومتی در آمریکا، ازدواج با زنان سفیدپوست بود.</div></div></div></div></div>